

حمایت از تولید ملی و سرمایه ملی در قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق یوسفی مقدم
مدیر مرکز فرهنگ و قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

که مقام معظم رهبری برای امسال مطرح فرموده اند، می پردازم.

□ وضعیت فعلی کشور

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی به لحاظ علمی در یک موقعیت ممتاز بین المللی قرار گرفته است. در مقابل دولت های استعمارگر و نظام سلطه، در صدد ایجاد محدودیت برای مملکت ما برآمده اند. از نظر سیاسی هم جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار ممتازی قرار دارد. نگاهی به موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی نظام اسلامی این مسئله را به خوبی نشان می دهد. خوشبختانه رویکرد دیپلماتیک دستگاه سیاست خارجی ما، که به حمدالله به جهت برخورداری از پشتوانه فکری قوی درک مناسبی از جایگاه کشور دارد، ارتقاء

□ تأکید بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی از آغاز انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است و همواره امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) بحث خودکفایی را مطرح می نمودند. به عبارت دیگر رویکرد به تولید ملی و خودکفایی امر مسبوق به سابقه ای است و مسئولین مملکت ما در فرایندهای سیاست گذاری خود از ابتدای انقلاب به این حوزه توجه داشته اند.

در واقع می توان گفت که در زمینه رسیدن به خودکفایی سرمایه گذاری های زیادی نیز صورت گرفته است. با این حال امسال، به دلیل شرایط ویژه ای که جمهوری اسلامی ایران در آن قرار گرفته است، این موضوع اهمیت خاصی پیدا کرده است. در ادامه ابتدا مباحثی را به صورت اجمالی در نگاه به این شرایط ارائه می دهم و سپس به عنوانی

رویکرد به تولید ملی و خودکفایی امر مسبوق به سابقه‌ای است و مسئولین مملکت مادر فرایندهای سیاست‌گذاری خود از ابتدای انقلاب به این حوزه توجه داشته‌اند



استعمار خارج شوند داریم. به لحاظ اقتصادی نیز بی‌گمان پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است. بازسازی زیرساخت‌های حیاتی پس از جنگ تحمیلی از جمله افتخارات مهمی است که نظام به لحاظ اقتصادی برای خود ثبت کرده است. این مسئله هم‌چنین پتانسیل نظام را در ایجاد آبادانی نشان می‌دهد. به هر حال به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت مباحث اقتصادی در جهان امروز تاکید بر پیشرفت اقتصادی امر مطلوب و ارزشمندی در مقطع فعلی باشد. به زبان دیگر، شاید به بی‌راهه نرفته باشیم اگر ادعا کنیم، اکنون لازم است تا به صورت موثری به حوزه اقتصاد بپردازیم و در جهت تقویت پارامترهای موثر در پیشرفت اقتصادی نظیر افزایش تولید ملی تلاش خود را معطوف نماییم. هدف

جایگاه کشور را در جهان سبب شده است. در توضیح این مسئله مشخصاً می‌توان به مقوله بیداری اسلامی اشاره نمود. طی این تحول بسیاری از کشورهای اسلامی به الگوگیری از نظام جمهوری اسلامی روی آورده‌اند. کوتاه سخن آنکه ما از نظر علمی و سیاسی جایگاه بسیار مناسبی را به دست آورده‌ایم. این‌ها همه نشانه کارآمدی نظام جمهوری اسلامی است که توانسته است ظرف سی سال این افتخارات بزرگ را برای ملت خود فراهم آورد. در عرصه نظامی هم الحمدلله جمهوری اسلامی محتاج به ادوات نظامی بیگانگان نیست و برای دفاع از مرزهای جغرافیایی خویش دست به سوی بیگانگان دراز نمی‌کند و در وضعیت استراتژیک خود کفایی نظامی قرار گرفته است. امروزه ما حتی توانایی کمک به کشورهای را که می‌خواهند از زیر سلطه

بهره‌برداری از زمین در پی تلاش و کوشش محقق می‌شود؛ چه آنکه رام بودن زمین به معنای آن نیست که بدون هیچ‌گونه مقدماتی بتوان منابع را از زمین بدست آورد. رام بودن زمانی معنا می‌یابد که انسان، بر اساس دانش، قادر به بهره‌برداری از آن شود



وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.

و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و الی [از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.^(۱)

مطابق این آیه شریفه لازم است امور مالی را، که طبعاً به مفاهیمی نظیر سرمایه اشعار دارد، به دست افراد کاردان سپرد. در اینجا سفیه به معنای کسی است که کار نمی‌داند یا اگر کار می‌داند، انحراف دارد. به دیگر سخن این آیه شریفه به ما می‌گوید که به افرادی که سلامت اقتصادی ندارند و از آگاهی اقتصادی برخوردار نیستند سرمایه‌های خود را نسپارید. قرآن کریم، بر این اساس، به مسلمان لزوم مدیریت

تلاش‌هایی از این دست باید دستیابی هر چه بیش‌تر به خودکفایی اقتصادی باشد؛ طبعاً برای نیل به چنین هدفی نیاز به آن داریم که تولید ملی خود را در حد قابل قبولی ارتقاء بخشیم. بی‌گمان رویکرد مقام معظم رهبری در عطف توجهات به مقوله مهم حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی نقشی ممتاز و سازنده در این عرصه بازی خواهد کرد.

پس از این مقدمه در توضیح شرایط فعلی کشور در این نوشتار خواهیم کوشید تا از منظری قرآنی به مقوله تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی بپردازیم.

□ مدیریت صحیح سرمایه از منظر قرآن
خداوند متعال خطاب به مسلمان‌ها می‌فرماید:

مسائل مالی و سرمایه‌ای را در عرصه اقتصاد یادآور می‌شود. مطابق آیه شریفه اموال، یا سرمایه، "قوام" معرفی شده است.

حال باید پرسید که قوام یک تشکیلات اقتصادی به چیست؟ به نفس مباحث مالی نیست؛ به عبارت دیگر با سرمایه و درآمد صرف قوام پیدا نمی‌کند بلکه، این سرمایه و منابع هنگامی قوام می‌یابد که به شیوه‌ای صحیح مدیریت شود. به این ترتیب قوام مباحث مالی و سرمایه‌ای به فکر و اندیشه سالم و مدیریت صحیح، حساب‌شده و کارآمد است. به این ترتیب مدیریت سرمایه اهمیت می‌یابد و نقش تصمیم‌سازان در ارتباط با سرنوشت سرمایه‌های مردم نقشی مرکزی و حیاتی می‌شود. این نکته‌ای است که باید در بحث تولید ملی به طور جدی مورد توجه قرار بگیرد.

رویکرد قرآن مجید به بحث تولید ملی و نگاه به سرمایه بسیار اساسی است و خداوند متعال در آیات شریفه قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که به حوزه‌های اقتصادی ورود کنند و تولید انجام دهند. توجه در مفاد این آیه شریفه این رویکرد را نشان می‌دهد.

وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

و به سوی قوم «تمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت؛ از او آموزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت‌کننده (خواسته‌های آنها) است»^(۳)

در مورد قوم تمود می‌فرماید که اصل اولی تعبد و بندگی خداوند است، باید عبادت خداوند را داشته باشید. سپس حضرت حق می‌فرماید خداوند شما را از زمین آفرید و از شما خواست که زمین را آباد کنید. به این ترتیب آباد کردن زمین یک مطالبه خدایی از انسان است. انسان از زمین و خاک است و باید خاک و زمین را آباد کند و آن را رشد دهد. سپس، به دنبال این، قرآن می‌فرماید که استغفار کنید و به سوی خدا برگردید. این‌ها همه برای این است که از تجاوزات و تعدیات و خونریزی در مسائل مادی و اقتصادی جلوگیری کند و انسان را متوجه قیامت و حسابرسی خدا کند. به دیگر سخن کار و تلاش با گناه و معصیت نیامزد.

در آیه نورانی دیگری خداوند می‌فرماید: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ.

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید، و از روزی‌های خداوند بخورید، و بازگشت همه به سوی او است.^(۴)

این فراز که خدا زمین را برای شما رام قرار داد به معنای آن است که حضرت حق زمین را در اختیار انسان قرار داده است. به زبان دیگر زمین و آنچه در آن است (از جمله منابع و معادنی که خدا در آن قرار داده است) در اختیار آدمی است. توضیح بیش‌تر آنکه انسان با دانش خود قادر به رام کردن زمین می‌شود. به عنوان نمونه آدمی از دل زمین نفت و گاز را بر اساس دانش‌های مختلف خود استخراج می‌کند. این رام‌بودن به این معنا است که انسان، در اثر تولید دانش و رشد علمی، به جایی می‌رسد که زمین را رام می‌کند و انواع



بهره‌برداری‌ها را از آن به انجام می‌رساند. به این ترتیب بهره‌برداری از زمین در پی تلاش و کوشش محقق می‌شود؛ چه آنکه رام بودن زمین به معنای آن نیست که بدون هیچ‌گونه مقدماتی بتوان منابع را از زمین بدست آورد. رام بودن زمانی معنا می‌یابد که انسان، بر اساس دانش، قادر به بهره‌برداری از آن شود. مطابق این آیه شریفه ما باید به این سمت و سو حرکت کنیم.

سپس آیه شریفه، در ادامه، یادآور می‌شود که هنگامی که انسان از نظر دانش به جایگاهی رسید که زمین برایش رام شد می‌تواند از رزق زمین منتفع گردد. با این حال نباید فراموش کند که آخر الامر بازگشت وی به سوی خداوند متعال است.

به این ترتیب قرآن کریم، در کنار اشعار دادن ما به تلاش و کوشش جهت ارتقاء مسائل اقتصادی خود، متذکر می‌شود که از تجاوز و تعدی چشم‌پوشیم. این‌ها بیانگر این است که نباید در مسائل اقتصادی فقط به اقتصاد بیاندیشیم و صرف بهره‌آفرینی‌های ناشی از اقتصاد برای مان هدف باشد؛ زیرا خداوند عدالت‌گستر در قیامت هر گونه بی‌عدالتی را مورد توجه قرار داد و انسان‌ها را مؤاخذه خواهد کرد.

□ ستایش جوامع موفق اقتصادی

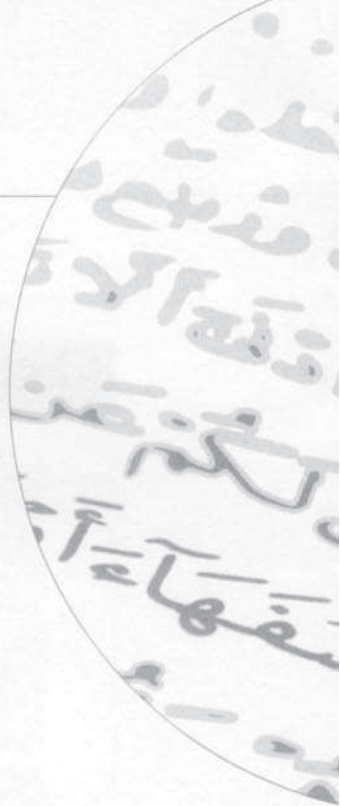
در قرآن

خداوند متعال در برخی از آیات شریفه ملت‌های برخوردار را که در اثر تلاش و دست‌رنج خود به یک زندگی مطلوب و مرفه اقتصادی دست پیدا کرده‌اند می‌ستاید؛ چه آنکه حضرت حق این زمین را آفریده است و منابع را برای انسان‌ها در آن قرار داده

است. در واقع، مطابق اندیشه دینی، همه این معادن برای انسان‌ها در زمین قرار گرفته است. طبیعی است که اگر انسان از این منابع درست بهره‌برداری نکند، نتوانسته است حق شکر را به جای آورد. شکر خدا، از جمله، این است که انسان به درستی از منابع الهی استفاده کند. هم از این روی غفران و رحمت خداوند نصیب ملتی می‌شود که اهل تلاش، کوشش و سعی در جهت تولید ملی و بهره‌گیری از منابع در این راه باشند.

دیدگاهی که به ما می‌گفت تا به دنیا به کلی بی‌توجه باشیم صحیح نیست. این دیدگاه، که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بیش‌تر مطرح می‌شد، از مسلمانان می‌خواست که به فکر تولید و افزایش سرمایه نباشد و نسبت به جهان بیرونی بی‌اعتنا باقی بمانند. نکته آنجا است که بی‌ارزشی دنیا در

دیدگاهی که به ما می‌گفت تا به دنیا به کلی بی‌توجه باشیم صحیح نیست. این دیدگاه، که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بیش تر مطرح می‌شد، از مسلمانان می‌خواست که به فکر تولید و افزایش سرمایه نباشد و نسبت به جهان بیرونی بی‌اعتنا باقی بمانند



روایات متعدد دیگری نیز در کار است که به ارزش‌های کار اشاره می‌کند. از جمله بوسیدن دست کارگر از جانب پیامبر (ص). پرسش آن است که چرا حضرت رسول (ص) دست کارگر را بوسه می‌زند؟ پاسخ را باید در اهمیت نقش تولید جستجو کرد. تولیدی که خود نقشی مهم در ارزش و اعتباربخشی به ملل مسلمان ایفاء می‌کند. بنابراین آن دیدگاه عوامانه‌ای که در بین مسلمانان منتشر کرده‌اند و مسلمانان را از تلاش و کوشش باز داشته‌اند، اساساً با مبانی دینی سازگاری ندارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

این سوره یعنی سوره سبأ آیه ۱۵ می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ

آن است که ارزش تجاوز به حقوق دیگران را ندارد. همچنین اینکه دنیا هدف باشد درست نیست و دنیا ارزش قرار گرفتن در جایگاه هدف اصلی آدمی را ندارد؛ اما اگر رویکرد ما به مواهب دنیا با هدف گسترش بر خورداری ملت‌ها و در مسیر رفیع نیازها باشد دنیا نه تنها مذموم نیست بلکه ستودنی نیز هست. روایات متعددی در کار است که ما را به سمت کار و تلاش دعوت می‌کنند.

الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله

کسی که برای اداره زندگی خانواده اش تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند^(۳)، واضح است که جهاد در راه خدا بالاترین کاری است که مسلمان می‌تواند انجام دهد. حدیث، به تصریح، می‌گوید که تلاش در راه اداره زندگی مانند جهاد در راه خدا است.

پرسش آن است که چرا حضرت رسول (ص) دست کارگر را بوسه می‌زند؟ پاسخ را باید در اهمیت نقش تولید جستجو کرد. تولیدی که خود نقشی مهم در ارزش و اعتبار بخشی به ملل مسلمان ایفاء می‌کند



آن، رزق از طرف پروردگار است. "واشکروا له"، در ادامه آیه، به آن اشاره دارد که حال که روزی را از طرف خدا دانستید نوبت به سپاسگذاری از حضرت حق می‌رسد؛ به این معنا که شکر خداوند در واقع صرف نعمت در مسیر خودش است. پس استفاده از نعمت در جایگاه خودش به معنای شکر نعمت است. "بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ" به معنای شهری پاک و طیب و پروردگاری بخشنده است. به این ترتیب، مطابق این آیه شریفه، از یک طرف آنها اهل تلاش و کار و تولید و سرمایه‌گذاری هستند و از طرف دیگر خداوند نسبت به این ملت که کوشا و اهل تولیدند مهربان و بخشنده است. نگاهی به این آیه نشان می‌دهد که تا چه میزان خداوند دنیا را زیبا ترسیم می‌کند؛ یعنی دنیایی آباد و با عزت برای ملتی که با عزت هستند امری صحیح و مناسب است.

همانا برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت و رحمت خدا) بود، دو تا بوستان از جانب راست و چپ (مسکنشان بود، به آنها گفتیم) از روزی پروردگار تان بخورید و او را سپاس گزارید، شهری است پاکیزه و پروردگاری آمرزنده.^(۵) اینک خداوند در مساکین و خانه‌های قوم سبا یک آیه و نشانه‌ای قرار داد به چه معنا است؟ یمن و شمال آنها را مانند بهشت قرار داد. به دو طرف مراجعه می‌کردند و می‌دیدند که جنت است. منظور از بهشت یعنی باغ‌های سرسبز و خرمی که قوم سبا از آنها برخوردار بودند. خداوند در ادامه آیه می‌فرماید "كلوا من رزق ربکم" (از روزی پروردگار تان بخورید). به عبارت دیگر از این دنیای آبادی که خداوند برایتان قرار داده است منتفع شوید؛ ولی توجه داشته باشید که، به رغم تلاش شما و اهمیت



لازم است بتواند آن را انفاق و ایثار کند و از آن بتواند بگذرد. نه اینکه از دنیا برخوردار نباشد.

نقل می‌کنند که عارفی در باب مرحوم نراقی شنید که وی عارف، صوفی و زاهد است. بر آن شد که برود و احوالات وی را، که آوازه اش دنیا را فرا گرفته بود، از نزدیک ببیند. وقتی به فضای زندگی مرحوم نراقی وارد شد دید نراقی از زندگی خوبی برخوردار است و وضعیت بسیار مرفهی دارد. او دریافت که وی خانه بسیار خوبی دارد و خدمت‌گذاران فراوانی در اختیارش هستند. از مرحوم نراقی پرسید با وجود این همه امکانات دنیوی شما چگونه عارف و زاهد هستید؟ مرحوم نراقی در جواب گفتند: مردم از حسن نیت خود این القاب را به من داده‌اند؛ من این‌گونه نیستم. روزگاری گذشت تا این که روزی همین

بنیاد این بی‌اعتنایی به دنیا به معنای آن است که انسان دنیا را هدف خود قرار ندهد نه آنکه از آبادی دنیا صرف‌نظر کند.

در روایتی دیگر، از یکی از ائمه (ع)، راوی از حضرت معنای زهد را می‌پرسند، آن معنا از زهد که بعضاً در جامعه ما برداشت می‌شود و مطابق آن، در مثل، کسی که بی‌اعتنایی به دنیا را پیشه کرده است و لباس‌های مندرس بر تن می‌پوشد زاهد شناخته می‌شود با پاسخ امام سازگار نیست. حضرت زهد را به گونه‌ای دیگر معنای می‌کنند. (لیس زهد آن لا تملك شیئاً بل آن لا تملکک شیء). بر این اساس زهد به آن این نیست که دنبال تولید و سرمایه‌نباشیم و تلاشی در این مسیر، برای ارتقاء وضع دنیایی خود، انجام ندهیم؛ بلکه زهد این است که چیزی را مالک ما نباشد؛ یعنی اینکه انسان دنیا را داشته باشد و مالک دنیا باشد تا در جایی که



درویش، که قبلاً خدمت نراقی رسیده بود، به مرحوم نراقی پیشنهاد داد که با هم به سفر کربلا بروند. به وقت حرکت از مرحوم نراقی پرسید سفارش و توصیه‌ای به اهل خانه نداردید نراقی پاسخ داد که نه من همه کارها را انجام داده‌ام! درویش، در میانه راه، یادش آمد که کشکول خود را در خانه نراقی جا گذاشته است. به مرحوم نراقی گفت من کشکولم را جا گذاشته‌ام بروم آن را بیاورم؛ بعد از آن می‌توانیم به راه خود ادامه دهیم. مرحوم نراقی پاسخ داد من برای رفتن به زیارت امام حسین (ع) همه دنیا را جا گذاشته‌ام.

مقصود آنکه این فرد به آن کشکول تعلق و وابستگی داشت؛ در حالی که مرحوم نراقی نسبت به همه آنچه که بابت آن زحمت کشیده بود و تولید کرده بود و اندوخته بود اصلاً وابستگی نداشت؛ پس به راحتی می‌توانست آنها را در راه خدا تقدیم کند.

□ جایگاه مبحث تولید ملی

در اندیشه اسلامی

رویکرد به مقوله تولید ملی به معنای دنیامداری نیست؛ بلکه به معنای عمران دنیا است که خود در زمره بالاترین تکالیف شرعی و الهی جای می‌گیرد. مهم آن است که آدمی به دنیا تعلق و وابستگی نداشته باشد نه آنکه نسبت به آبادانی آن بی‌تفاوتی پیشه نماید.

هم‌چنان که آمد ضرورت مبحث تولید ملی را می‌توان از آیات شریفه قرآن استفاده نمود و تاکید بر این حوزه را این دستورالعمل را از درون نصوص دینی می‌توان دریافت کرد. بنابراین بحث تولید ملی تکلیفی الهی است

که بر دوش امت اسلامی قرار گرفته است. از جمله آثار مثبت این تکلیف الهی آن است که مسلمانان، در صورت عمل به آن، از لحاظ اقتصادی خود را به حدی خواهند رساند که نیازی به بیگانگان نخواهند داشت. در واقع امروزه در دنیا قدرت‌های استعماری به شیوه‌های گوناگون در صدد سلطه و استعمار بر کشورهای جهان سوم هستند. طبعاً بر ما است که همه راه‌های ورود استعمارگران را ببندیم. یکی از این راه‌ها مسئله نیازمندی‌های اقتصادی است، ملتی که از لحاظ اقتصادی محتاج است در سر میز مذاکره بر سر مسائل سیاسی نیز مجبور به اعطای امتیاز به بیگانگان می‌گردد. این واقعیت نشان‌گر آن است که چگونه توسعه اقتصادی به استقلال سیاسی کمک می‌نماید. توسعه اقتصادی در مسیر توسعه علمی نیز نقش مشابهی را

زهد به آن نیست که دنبال تولید و سرمایه نباشیم و تلاشی در این مسیر، برای ارتقاء وضع دنیایی خود، انجام ندهیم؛ بلکه زهد این است که چیزی مالک ما نباشد؛ یعنی اینکه انسان دنیا را داشته باشد و مالک دنیا باشد تا در جایی که لازم است بتواند آن را انفاق و ایثار کند و از آن بتواند بگذرد

سعی می‌کند ملت‌های زیر سلطه را نیازمند و محتاج نگه دارد. تبیین دیگر اینکه ملت‌های زیر سلطه اگر نیازمند باشند از مواضع استقلال‌ی و اعتقادی خود عدول می‌کنند. البته آیه در باب منافقین است؛ ولی نگاهی کلی را به مستکبران و بر خورداران از سلطه می‌افکند. پس از توضیح رویکرد منافقین خداوند، به ملت‌های مسلمان راهکار و پاسخ می‌دهد و آنها را به سمت سیاست‌های کلان و مهم سوق می‌دهد و می‌فرماید: **وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**؛ یعنی همه خزائن آسمان‌ها و زمین دست خدا است؛ و لکن المنافقین لا یفقهون یعنی منافقان درک ندارند که همه این خزائن دست خدا است. نتیجه آنکه اگر اهل تلاش و کوشش باشیم، به لطف حضرت حق، می‌توانیم از منابع الهی بهره‌مند شویم.

بر عهده دارد و زمینه‌ساز شکوفایی علمی نیز می‌گردد و ارتقای علمی جهت فتح دروازه‌های علمی دنیا منوط به این است که نیازمندی‌های اقتصادی خود را بتوانیم خود پاسخگو باشیم. در قرآن کریم هم در این زمینه آیاتی داریم.

هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفوا و لله خزائن السموات و الارض و لکن المنافقین لا یفقهون.

اینها همان مردم بدخواهند که می‌گویند بر اصحاب رسول انفاق مال مکنید تا از گردش پراکنده شوند در صورتی که خدا را گنج‌های زمین و آسمانها است لکن منافقان درک آن نمی‌کنند.^(۶) بر اساس این آیه شریفه خداوند متعال روش و سیاست حاکم بر نظام سلطه را تبیین می‌کند. بر این اساس نظام سلطه

رویکرد به مقوله تولید ملی به معنای دنیامداری نیست؛ بلکه به معنای عمران دنیا است که خود در زمره بالاترین تکالیف شرعی و الهی جای می‌گیرد. مهم آن است که آدمی به دنیا تعلق و وابستگی نداشته باشد نه آنکه نسبت به آبادانی آن بی‌تفاوتی پیشه نماید

فراهم کنیم. امری که منوط به تولید دانش و مدیریت صحیح و گسترش تولید ملی است. به زبان دیگر این ملت‌ها هستند که باید این مسیر را طی کنند.

□ مفهوم سرمایه

نکته مهم دیگر آنکه مفهوم سرمایه، در ادبیات قرآنی، مفهومی عام است و فراتر از سرمایه‌های مادی سرمایه‌های انسانی را نیز شامل می‌شود. توضیح بیش‌تر آنکه یک بخش از سرمایه، سرمایه‌های مادی است. در این بخش باید از منابع ملی، که خدا در اختیار ملت ایران قرار داده است، بهره‌برگیریم. اما در کنار سرمایه‌های مادی ما سرمایه‌های مهم انسانی نیز داریم. نیروی انسانی مومن و تحصیل‌کرده‌ای که هم‌اکنون در اختیار ملت ایران است سرمایه

این آیه شریفه چند پیام برای ما دارد: اولاً اینکه نظام سلطه راضی نمی‌شود؛ مگر اینکه یک ملت از آرمان‌های خود دست بردارد.

دوم اینکه هیچ ملتی به جایگاه استقلال فکری و ارزشی دست پیدا نمی‌کند؛ مگر اینکه بی‌نیاز از بیگانگان و بی‌نیاز از مخالفان ارزش‌هایش باشد.

سوم اینکه نظام سلطه ملت‌ها را مجبور به حرکت در مسیر خود با استفاده از ابزارهای مالی می‌کند. بنابراین به دست آوردن سرمایه از نظام سلطه مسیری انحرافی است و کشورهایی که با نظام سلطه کنار می‌آیند تا از سرمایه آنها استفاده کنند راه به جایی نمی‌برند. به این ترتیب ملت باید خود برای به دست آوردن مواهب دنیوی قیام کند. چهارم آنکه ما باید خود زمینه به دست آوردن خزائن آسمان‌ها و زمین را برای خود



همه بیانگر ارزشمند بودن سرمایه‌های انسانی است. به باور بنده، بر اساس آنچه آمد، فرمایش مقام معظم رهبری در مورد حفظ سرمایه‌ها ناظر به حفظ سرمایه‌های انسانی نیز هست و رویکرد ایشان به حمایت از سرمایه‌ها بیانگر نگاهی است فراگیر که به دو حوزه سرمایه‌های انسانی و مادی نظر دارد. ■

پی‌نوشت:

- ۱- قرآن کریم: نساء، ۵
- ۲- قرآن کریم: هود، ۶۱
- ۳- قرآن کریم: ملک، ۱۵
- ۴- بحار الانوار: ج ۱۰۲، ص ۱۲
- ۵- قرآن کریم: سبأ، ۱۵
- ۶- قرآن کریم: منافقون، ۷
- ۷- قرآن کریم: مجادله، ۱۱

بسیار مهمی است که باید قدر آن را دانست. قرآن کریم هم به این مطلب اشاره دارد که سرمایه انسانی بسیار مهم‌تر از سرمایه مادی است؛ چرا که سرمایه انسانی است که سرمایه مادی را برای ما به وجود می‌آورد و حفظ می‌کند و تولید ملی را برای ما تحقق می‌بخشد. مثلاً وقتی قرآن می‌فرماید آیا دانا با نادان مساوی است، این بیان، در واقع، بیانگر اهمیت فوق‌العاده سرمایه انسانی است. خداوند، هم‌چنین، می‌فرماید: یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات.

خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.^(۱) پرواضح است که بر اساس این آیه حضرت حق برای اهل علم و ایمان ارزش قائل شده است و به آنها در جاتی داده است. اینها